

شهر فرنگ

انحراف از مسیر در مسیر انحرافی و سیروس مقدم در تلویزیون

■ **شرق**: کارگردان‌های بسیاری مدیوم تلویزیون و سینما را در کنار هم تجربه کرده‌اند، هر کدام از این رسانه‌ها ویژگی‌های خاصی خود، مخاطبان و قاب‌های متفاوت خود را دارند و از آنجایی که کار کردن در هر کدام از آنها مهارت‌های خاص خود را می‌طلبد، کمتر کارگردانی است که در هر دو این رسانه‌ها موفق بوده باشد. سیروس مقدم یکی از کارگردان‌هایی است که هم در سینما فیلم ساخته، هم رسانه تلویزیون را برای بیان دغدغه‌هایش انتخاب کرده. او در مورد یکی از دلایلی که باعث شده از سینما به سمت تلویزیون کشیده شود در گفت‌وگو با خبر آنلاین گفت: «تلویزیون نسبت به سینما فضای فرهنگی تری دارد و برای این حرفم هم دلیل دارم. در سینما سرمایه حرف اصلی را می‌زند؛ یعنی در حالت کلی باید فیلمنامه‌ای را دست بگیرد که مطمئن به برگشت آن باشید، از بازیگرانی باید استفاده کنید که گیشه داشته باشند، باید از تیم فنی‌ای استفاده کنید که امتحان پس داده باشد. به نظر من در چند سال اخیر سینما به ورطه تکرار دچار شده است. خانه من پر از فیلمنامه‌های تکراری و ساخته‌نشده است که خودم هم رغبتی برای ساخت آنها ندارم. در تلویزیون اوضاع طور دیگری است. در این رسانه برگشت سرمایه اهمیت ندارد، در این فضا قدرت ریسک وجود دارد. شخصی مثلاً می‌تواند این ریسک را بکند و بازیگر جوانی مثل شهید حسینی را در نقش اول سریال «پلیس جوان» بگذارد و اتفاقا جواب بگیرد، بعد هم حسینی تبدیل شود به محبوب‌ترین بازیگر ۱۰ سال اخیر تلویزیون. از سوی دیگر، در تلویزیون ایسن حق انتخاب را دارم که سوزمه‌های کارهایم را خودم انتخاب کنم و به من دیکته نشود. وقتی در سینما کار می‌کردم، فقط ۲۰ درصد خودم بودم و ۸۰ درصد اتفاقاتی بود که تهیه‌کننده یا شرایط برای من به وجود می‌آورد. به همین دلیل در تلویزیون موفق‌تر از سینما شدم.»
مقدم اعتقاد دارد می‌توان با شناخت خطوط قرمز، سلیقه و ذایقه مردم، سریال‌های زیادی را ساخت. البته او هم اشاره می‌کند که در تلویزیون با دشواری‌هایی روبه‌روست تا آنجایی که هر وقت بخواهیم حرف تازه‌ای بزнім طبعاً با یک سری محدودیت‌ها مواجه می‌شود. «گاهی جماعتی یا نهادهایی یا مسئولانی که آستانه صبر پایین دارند و نمی‌گذارند سریال تمام شود و بعد تصمیم بگیرند، فشارهایی به ما وارد می‌کنند و دوست و دشمن هم سرشان نمی‌شود که این کارگردان سیروس مقدم است که ۱۴ سریال ساخته که برای تلویزیون عاقبت بخیر بوده، پس یک درصد هم امکان دارد



کار بعدی‌اش هم موفق باشد.» اما مقدم اعتقاد دارد که این دشواری‌ها در نهایت به پخته شدن او منجر شده است تا جایی که در سریال «چک برگشتی» به سراغ موضوعات حساسیت‌برانگیزی چون مجلس و کاندیدای انتخاباتی رفته است و توانست در جذب مخاطبان موفق باشد. در شرایطی که مقدم از کار کردن با رسانه ملی راضی است و اعتقاد دارد که در جذب ۷۰ درصد مخاطبان موفق بوده است، اما به نظر می‌رسد سریال دیگری که این روزها روی آنتن است، با وجود بهره‌گیری از بازیگران مشهور نتوانسته تا این لحظه ارتباط خوبی با مخاطبان برقرار کند. سریال «مسیر انحرافی» با بازی پوریا پورسرخ، شقایق دهقان، عزت‌الله مهر آوران، فرزاد حسنی، علی کاظمی، اکرم محمدی، ساعد هدایتی و رضا کریمی این روزها از شبکه ۳ سیما در حال پخش است. داستانی که روایت آن بسیار شبیه به سریال «لاست» است سریالی که در پی سقوط یک هواپیمای مسافران در جزیره‌ای دور افتاده رها می‌شوند و در طول مدت شش سال از شبکه ای‌بی‌سی آمریکا پخش شد و در بین ۱۰ سریال برتر دنیا قرار گرفت. در شرایطی که این سریال در روزهای اول پخش نتوانسته چندان در جذب مخاطبان موفق باشد فرزاد حسنی بازیگر این سریال در مورد «مسیر انحرافی» به ایسنا گفت: «این کار، در راستایی حرکت کرده که به مخاطب احترام بگذارد و قرار نیست در آن با شلختگی مواجه شویم. این کار به لحاظ تکنیکی و درام یک کار بسیار فاخر است و از سبک‌های مختلف کمدی در آن استفاده شده است؛ یعنی در عین حال که در فضای رئال کار می‌کنیم، ناگهان لحظات سوررئال هم داریم.»
جزیره ناشناخته‌ای که هواپیمای آن در آنجا «مسیر انحرافی» در آن سقوط می‌کند، در واقع مکانی در جنگلی حفاظت‌شده خجیر، ۱۵ کیلومتری انتهای اتوبان شهید بابایی است. حتی اگر یکی از بازیگران (بخوانید فرزاد حسنی) داستان شباهت‌های این سریال با سریال «لاست» را منکر شود، مخاطبان با مقایسه مضمون اصلی این سریال به ضعف‌های «مسیر انحرافی» پی می‌برند. کارگردانان تلویزیون باید توجه داشته باشند که مخاطبان این روزها قدرت انتخاب بالایی دارند و در صورتی که مجموعه‌ای نتواند با مخاطبانش ارتباط برقرار کند، به آسانی فشار دادن یک دکمه کنترل تلویزیون، اتصال‌شان با مخاطب منقطع می‌شود.



فرزانه ابراهیمزاده

■ **وقتی** که گفته شد **کیوان علیمحمدی** و **امید بنگدار** قرار است یک مجموعه تلویزیونی بسازند با توجه به سابقه ذهنی‌ای که مخاطبان از کارهای شما داشتند، این سوال در ذهن بسیاری مطرح شد که آیا مخاطب تلویزیون هم می‌تواند با این سبک فیلمسازی ارتباط برقرار کند یا شما سبک کاری خودتان را تغییر می‌دهید؟ با توجه به اینکه همه ما می‌دانیم که سلیقه مخاطب تلویزیونی با مخاطب سینمایی متفاوت است و به دنبال داستان‌های سرراست است.

بنگدار: قبل از اینکه پاسخ شما را بدهم باید بگویم که پیشنهاد ساخت مجموعه تلویزیونی از سوی آقای جودی تهیه‌کننده آن به من و کیوان داده شد. ما توسط دوستان مشترکمان با ایشان آشنا شدیم و در ابتدا طرحی برای ساخت یک فیلم تلویزیونی داشتیم که این طرح را به ایشان دادیم و از طرف خودشان ساخت این مجموعه پیشنهاد شد. طبق فرمایش خودشان این دعوت برای این بود که قصد دار پیشنهادهای تازه‌ای را به مخاطبان بدهد و برای تغییر در ساختار تولیدات تلویزیون بهتر است از افراد جدید دعوت کرد. ما هم از این استقبال کردیم.

علیمحمدی: این دعوت بعد از دیدن فیلم شبانه بود. یعنی ایشان شبانه را دید و خواست که همکاری کنیم. **بنگدار**: بعد از خواندن فیلمنامه اعلام آمادگی کردیم و چند ماهی هم روی فیلمنامه کار کردیم تا لحن فیلمنامه را به جنس کارهای خودمان نزدیک کنیم. **یعنی این فیلمنامه پیشنهادی شما نبود؟** **بنگدار**: نه، آن فیلم داستان فرد سالمند و اتفاقاتی که برایش رخ می‌داد، بود اما حیرانی داستانی بود که برای تولید آماده بود. **با نظر من می‌رسد که داستان حیرانی یک ما دو داستان ساده و خطی بوده که در بازخوانی شما تبدیل به داستانی شده است که ما در حیرانی با آن روبه‌رو هستیم.** **بنگدار**: حیرانی یک فیلمنامه مستقل داشت که تقریباً همه شخصیت‌های حاضر در نسخه فعلی از ابتدا در آن حضور داشتند و محور جست‌وجو و تم ملودرام را از همان ابتدا داشت. کاری که ما کردیم این بود که کمی بازیگوشی‌های رهایی را در آن انجام دادیم. مقداری اوج و فرودهای دراماتیکش را فشرده‌تر کردیم و خولستیم که بخشی از داستان با گفت‌وگوهای تلفنی روایت شود. این پیشنهادی بود که از طرف ما به فیلمنامه اضافه شد. در حیرانی یکسری از اتفاقات دراماتیک توسط تلفن رخ می‌دهد که ساختار تصویری‌اش در فیلمنامه لحاظ شده بود. اما این فیلم همان‌گونه که گفتیم از ابتدا یک فیلمنامه کلاسا مستقل بود. برای همین هم من و کیوان چه در تیتراژ چه در گفت‌وگوهایی که داریم به دلیل احترامی که به نویسندگان این کار و حقوق معنوی‌شان می‌گذاریم همواره از لفظ بازیگری پرهیز کردیم و می‌گوییم که فیلمنامه برایش شد. برای اینکه یکسری الگوهای ساختاری چه در فیلمنامه و چه در تولید ارایه کردیم تا بتوانیم فیلم را به شکل ساختاری خودمان نزدیک کنیم.

■ **شما از آن دست کارگردانانی هستید که همیشه فیلمنامه‌های خودتان را ساختید. ساختن فیلم‌نامه‌نویسانی که خیلی هم شناخته‌شده نیستند برای کسانی که مولف هستند، مشکل‌نیست؟**

علیمحمدی: فیلمسازی یک کار گروهی است. من و امید همیشه سعی می‌کنیم در کارهایمان از بهترین‌ها دعوت کنیم که بتوانیم کار خوبی ارایه دهیم. به قول اید ابتدای خواندن فیلمنامه خطوط داستانی را پس‌نیدیدیم و این باور وجود داشت که می‌توانیم کارهای که برای ارایه دهیم، آن دوستان از ابتدا با توجه به شناختی که از کارهای ما در سینما داشتند استقبال خوبی از حضور ما به عنوان کارگردان کردند. در اولین نشستی که با فیلمنامه‌نویسان بعد از قطعی شدن ساخت مجموعه داشتیم هم این نکته را گفتند. ما شش ماه روی فیلمنامه کار کردیم و این فیلمنامه به لحن و سلیقه ما نزدیک شد. روز اول فیلمبرداری وقتی به صحنه رفتیم یک باور در میان همه گروه وجود داشت که یک کار متفاوت قرار است ساخته شود؛ کاری که همه از انجامش لذت ببریم و احساس شرمندگی نکنیم.

■ **مشکل بزرگی که چندین سال است مخصوص در عرصه مجموعه‌های تلویزیونی وجود دارد، این است که بیشتر کارها از فقر فیلمنامه رنج می‌برند. بیشتر کارهای تلویزیونی فیلمنامه ندارند و یک‌سری مخاطبان تکراری هستند که مجموعه آدم‌های در آن وجود دارند که به دنبال هویت‌شان هستند؛ نکته‌ای که در حیرانی هم دیده می‌شود. اما این مجموعه پیچ‌درپیچ و هزارتو است که حداقل در هفت، هشت قسمتی که تا امروز دیده شده هنوز داستان اصلی معلوم نیست. این نشان می‌دهد که فیلمنامه استخوان‌بندی درستی دارد.**

علیمحمدی: یک فیلم در قدم اول براساس مثلث تهیه‌کننده، فیلمنامه‌نویس و کارگردان شکل می‌گیرد. اگر یک ضلع از این مثلث درست قرار نگرفته باشد، مطمئن باشید که فیلم از همان ابتدا با مشکل روبه‌رو خواهد شد و نمی‌توانید وجوه دیگر را به آن اضافه کنید. این مثلث از ابتدا درست شکل گرفت. تهیه‌کننده برای دو ضلع دیگر این مثلث از کسانی دعوت کرد که شناخت کاملی از آنها داشته است. این جوری نبوده که از کارگردانی دعوت کند که هیچ شناختی از کارشان ندارد و می‌داند که به سریال تنها به عنوان عیاربانک اجایی صرفاً برای کسب درآمد نگاه می‌کنند. این اصطلاحی است که ظاهر این دوستان کارگردان وجود دارد. زمانی که من و امید این مجموعه را شروع کردیم، ما پرسیدند چرا تلویزیون برای شما هم عیاربانک است؟ ما اصلاً اعتقادی به این جریان نداریم و معتقدیم که اگر به تلویزیون چنین نگاهی را داشته باشیم با سینما هم همین برخورد را خواهیم کرد. ضمن اینکه ما برای این سریال به اندازه ۱۰ تا فیلم سینمایی زمان و انرژی گذاشتیم. از سوی دیگر ضلع سوم این مثلث یعنی فیلمنامه هم انتخاب درستی بود. ما در جلساتی که با بازیگران فیلم داشتیم، می‌گفتند این جزو معدود دفعاتی است که با فیلمنامه کامل روبه‌رو هستیم. یعنی بازیگران از ابتدای فیلم می‌دانستند که در انتها چه

تلویزیون

«کیوان علیمحمدی» و «امید بنگدار» در گفت‌وگو با «شرق»:

قهر کردن ساده‌ترین راه است



عکس: آرژانتین رحیم شرق

تجربه چند فیلم سینمایی مشترک این روزها مجموعه تلویزیونی «حیرانی» را در کنار مرتضی پورصمدی فیلمبردار صاحب‌سبک سینما و تهیه‌کنندگی رضا جودی با بازی حمیدرضا پگاه، آناهیتا فقیه‌نصیری و آزاده صدقی روانه آنتن شبکه اول سیما کرده‌اند؛ مجموعه‌ای که مانند کارهای این دو کارگردان ساختار روایی خطی ندارد و تصویرها را کند. شاید به همین دلیل است که به جرات کیوان علیمحمدی و امید بنگدار را یکی از نمونه‌های مثال‌زدنی از زوج‌های هنری دانست. این دو کارگردان جوان سینما بعد از

در میان هنرمندان ایران و جهان کم نبودند هنرمندانی که در کنار هم زوج‌های هنری موفق‌ی را تشکیل داده‌اند و با کار گروهی توانستند آثار درخور توجه بسازند؛ زوج‌هایی که بعد از چندی به صورت مستقل هم تلاش‌هایی می‌کنند. اما در میان کارگردانان کمتر دو کارگردانی را پیدا می‌کنید که توانست‌اند در کنار هم آثار درخشانی را خلق کنند. شاید به همین دلیل است که به جرات کیوان علیمحمدی و امید بنگدار را یکی از نمونه‌های مثال‌زدنی از زوج‌های هنری دانست. این دو کارگردان جوان سینما بعد از

«ناخدا خورشید» و «زیر درختان زیتون» را می‌دید به فیلم‌هایی که ترجیح می‌دهم نام‌شان را نبرم، پسند می‌کند. الان سطح همه فیلم‌ها به لحاظ کیفی پایین آمده است. در چنین شرایطی مطمئن باشید اینکه مجموعه «حیرانی» روی آنتن شبکه اول سیما رفته است، از مدیریت کلان تابازیگرش ریسک کرده‌اند.

فکر نمی‌کنید که این اتفاق ممکن است همین‌جا متوقف شود و شما این تجربه را ادامه ندهید؟

علیمحمدی: چاره دیگری نیست، به نظر شما ما باید چه می‌کردیم؟ باید در همان استاندارد پایین فیلم می‌ساختیم؟ **اتفاقا درباره ادامه این تجربه صحبت می‌کنم. آقای جبرانی آمد و یک بار تصویر یک روبا را با ساختاری شبیه «حیرانی» ساخت، اما چند سال طول کشید تا امید بنگدار و کیوان علیمحمدی بیایند و این ساختار را با هنرمندی‌ای که مرتضی پورصمدی در تصویربرداری به خرج داده است، در فیلم‌شان پیاده کنند؟**

علیمحمدی: برای من و امید تجربه سریال‌سازی تجربه جذابی بود. ما این شانس را داشتیم که در همه فرمت‌های سینما از فیلم کوتاه تا تجربی تا مستند و بلند داستانی و سریال کار کنیم. قصد ارزش‌گذاری کارمان را ندارم اما کارهایی‌مان این امتیاز را داشته که به آن توجه شده است. خیلی‌ها به شدت با کارهای ما ارتباط برقرار کرده‌اند و خیلی‌ها هم بدشان آمده است. این ویژگی هر کاری است که مخاطبان مختلف به فراخور سلیقه و پسندشان، برخی کارها را بیشتر یا کمتر دوست دارند ولی برای ما با همه مربوط است. ما باید نگاه کلاسیک‌انه را به تلویزیون کنار بگذاریم. برایش گذاشتیم، تجربه خوبی بوده است و فکر می‌کنیم که اگر این فرصت برای‌مان پیش بیاید، باز هم در تلویزیون کار می‌کنیم. من فکر می‌کنم که تغییر در ذایقه مخاطب و ایجاد تنوع در کارهای تلویزیونی بخشی‌اش به مخاطب و مدیران تلویزیون مربوط نیست به خود ما سازندگان. نویسندگان و هنرمندان هم مربوط است. ما باید نگاه کلاسیک‌انه را به تلویزیون کنار بگذاریم. **ا بدسیم که خیلی از کارگردانان می‌آیند و کارهای خوبی را می‌سازند ولی کارهای بعدی‌شان همان سری‌سازی‌ها و کارهای ضعیف می‌شود. کم هم نبودند فیلمسازانی که چنین سرنوشتی پیدا کردند. چقدر فکر می‌کنید می‌توانید این حرکت رو به رشد را ادامه بدهید و درجا نزنید؟**

علیمحمدی: شک تکنید برای اینکه این روند رو به رشد ادامه داشته باشد فقط خواستن من و امید کافی نیست. تصویربرداری مانند مرتضی پورصمدی و تهیه‌کننده‌های اهل ریسک مانند رضا جودی را می‌خواهد. یک گروه بازیگری خوب مثل ستاره اسکندری، خانم یولانی، آناهیتا فقیه‌نصیری، حمیدرضا پگاه و بابک حمیدیان را می‌خواهد. اگر این تیم با تهیه‌های دیگر حرفه‌ای مثل این دوباره جمع شود نتیجه‌اش می‌تواند کاری متفاوت باشد.

بنگدار: گروه‌هایی که به کارشان و به ساخت سریال به عنوان عشق نگاه کنند نه صرفاً یک حرفه برای کسب درآمد.

■ **کسانی که با تلویزیون کار می‌کنند به دلیل مسایلی که در سریال‌ها برای‌شان پیش می‌آید کار کردن با تلویزیون پشیمان می‌شوند. اتفاقاتی که به نظر می‌رسد در این هشت قسمت هم برای شما هم پیش آمده است. همه هم به ممیزی مختص نمی‌شود. آدم‌هایی که اعتراض می‌کنند و تلویزیون شروع به سخت کردن کار برای سینماگران می‌کند.**

علیمحمدی: ما هم به نوعی با این‌گونه مشکلات روبه‌رو بودهایم. خیلی رک بخواهم بگویم شاید اگر پنج درصد از این اتفاقات برای هر کارگردان دیگری افتاده بود، ممکن بود قرار کند اما یک روز که درگیر مشکلاتی هنگام تولید بودیم، با آقای پورصمدی قرار گذاشتیم که با هر دشواری تلاش کنیم که کارمان را با بهترین کیفیت ممکن انجام دهیم. شرایط کار سخت است و بخشی‌اش هم طبیعت این حرفه است. به جای فرار از مشکلات بهتر است دست به دست هم بدهیم که کار را تا پایان با بهترین وضعیت پیش ببریم. ما هم دست دادیم و تا اینجا پیش آمدیم.

ادامه در صفحه ۱۵

جمعه جادو

نگاهی به سریال «حیرانی»

ساخته کیوان علیمحمدی و امید بنگدار

فرانک کلاتری

■ **سریال** حیرانی که از چهاردهم فروردین شاهد پخش‌اش از شبکه یک سیما هستیم، یکی از متفاوت‌ترین و عجیب‌ترین سریال‌هایی است که از تلویزیون به نمایش درآمده است. کیوان علیمحمدی و امید بنگدار کارگردانان این سریال برای اهالی سینما چه مستند، چه داستانی نام‌های آشنایی هستند. آنها اولین تجربه سریال‌سازی را از سر می‌گذارند. کسانی که با این دو فیلمساز از طریق آثار پیشین‌شان آشنا هستند و سریال آنها را دنبال می‌کنند، یقیناً به تأثیر تجربه‌های پیشین این دو فیلمساز در این سریال برخورد کرده‌اند. تجربه‌های مستند داستانی آنها در باورپذیری کاراکترها و تسلط بر ساخت کابوس و روایت.

این دو فیلمساز همیشه جسارت استفاده از تکنیک‌های نو و تازه در فیلم‌هایشان را داشته‌اند. شاید توقع می‌رفت حالا که سراغ مدیوم عمومی‌تری مانند سریال آمده‌اند که مخاطب مسترده‌ای دارد، روش دیگری را پیش بگیرند. اما سریالی را که شاهدش هستیم اینچنین نیست و مولفه‌های پیشین و سبک کاری این دو فیلمساز را در آثار تازیشان به همراه دارد که نشان از جدی گرفتن هر اثر توسط آنهاست با انگیزه درک متقابل توسط مخاطب. از طرفی به نظر می‌رسد مخاطبان هم با اثر ارتباط برقرار کرده‌اند و تلاش برای رسیدن به این انگیزه پی ثمر نمانده است.

بالا رفتن سطح سلیقه مردم به نوعی لازم و ملزوم بودن آثار پیشرو و استقبال مردم از آنهاست. اگر به این بهانه که چون تلویزیون مخاطب گسترده‌ای دارد هر قصه‌ای با هر ساختاری به نمایش درآید، عذر خوبی نیست، چنانچه می‌بینیم چراغ‌های سبز به پدیده‌ای هر چه پیش‌آید تبدیل شده و آثاری که حتی به لحاظ مضمونی کبی‌های ضعیفی از هم هستند که بیشتر بر تکیه بر توانایی‌های طنز و خنداندن مردم توسط بازیگران پیش می‌روند. این تب حتی از تلویزیون به سینما هم رخنه کرده است. بنابراین کسی که امکان برداشتن قدم اول را برای بالا بردن سطح سلیقه مردم دارد رسانه است نه مردم. رسانه با جدی‌تر گرفتن مخاطب در هر ژانری چه کمدی چه جدی گام اول را در این راستا بردارد، گام دوم استقلال مردم از آثار درخسور توجه خواهد بود. این تمهید در موارد نادری که اتفاق افتاده همیشه از طرف مردم و مخاطبان با استقبال روبه‌رو بوده. اما این گام‌ها محکم و پی‌درپی نیستند.

بعضی این خرده را به سازندگان اثر می‌گیرند که با چه اثر خودمانیانه‌ای روبه‌رو هستند. اما از آنجا که



بیننده با اثری کلاماً مدرن روبه‌روست و بی‌شک این نوع ساختار یکی از ویژگی‌های سینمای مدرن است، حضور مولفش را به رخ می‌کشد. سینمای مدرن با هر تکنیکی به مخاطبش یادآور می‌شود که تصویری که می‌بینی یک اثر سینمایی است نه یک قصه واقعی که خالقش از چشم پنهان باشد.

این دو فیلمساز برای تعریف قصه‌های خود از تکنیک‌های متفاوتی مانند اسلوموشن، دوربین روی دست، دکوپاژهای حساب‌شده و دقیق، کتلهای صوتی، شکستن‌های عمدی خط فرضی و... استفاده می‌کنند که به کار بردن هریک به زیباتر شدن و هر چه عجیبت‌تر شدن ساختار منطص به آنها کمک می‌کند. اما تکنیکی که بیش از همه در اثر مورد بحث به چشم می‌آید و پیش از این کمتر شاهدش بودیم اسپیلیت اسکرین است. امید بنگدار و کیوان علیمحمدی در آثار پیشترشان هم از این تکنیک برای پیشبرد فیلم‌هایشان استفاده کرده بودند؛ راهکار متفاوتی برای نشان دادن همزمان موقعیت‌های موازی که این امتیاز را به بینان داده می‌دهد. تا موقعیت‌های متفاوت را همزمان دنبال کند. انتخاب این روش برای سریال به دلیل داشتن شخصیت‌های قزوان و قصه‌های فرعی هوشمندانه است. هر چند انتخاب و استفاده از این تکنیک لازمه گرفتن پلان‌های متعدد همچنین تدوین دقیق و ظریف است که در نتیجه زحمات بیشتر را برای عوامل آن در پی دارد اما کمک می‌کند تا حسدت فیلمساز برای به تصویر کشیدن قصه‌های متفاوت باز باشد. همچون زندگی واقعی که جریان روزگار آدم‌ها هر جایی به شکلی به سر می‌رود و زندگی در هیچ‌جا برای کسی متوقف نمی‌شود. استفاده از این تکنیک در گفت‌وگوها هم امکان داشتن عکس‌العمل افراد مختلف را آنجایی هم فراهم می‌کند. انگار چیزی از چشم بیننده پنهان نمی‌ماند. بی‌شک حضور مرتضی پورصمدی و تیم حرفه‌ای که کنار هم جمع شدند را برای رسیدن به آنچه که در تحیل فیلمسازان می‌گذرد را نباید نادیده

گرفت. به لحاظ مضمونی کشش و گرافاقتی‌های لازم برای نگه داشتن مخاطب پای اثر در «حیرانی» دیده می‌شود. اما قضاوت درباره داستان و فیلمنامه از آنجایی که کار به اتمام نرسیده چندان ممکن و منصفانه نیست. آنچه که تا به اینجا از قصه انتظار می‌رفت ایجاد کشش و بودن داستان‌های فرعی کافی برای درگیر کردن مخاطب است؛ کاری که «حیرانی» از پس آن برآمده است، باقی قضاوت‌ها می‌ماند برای بعد از دیدن تمام قسمت‌های سریال.